

عنوان مقاله: ضوابط و دشواریهای ترجمه در علوم اجتماعی
در گفت و گو با محسن ثلاثی

گفت و گو: پیمان ملازاده

منبع: کتاب ماه ۱۳۷۷ شماره ۱۴

صص ۸-۱۳

- محسن ثلاثی در سال ۱۳۲۴ در شهر بابل متولد می شود و تا سال ۱۳۴۳ که برای تحصیل در رشته ادبیات و زبان فارسی وارد دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران می گردد در این شهر اقامت می کند. در سال ۱۳۴۶، موفق به اخذ دانشنامه لیسانس و در سال ۱۳۴۸ وارد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران می شود و در سال ۱۳۵۰ دانشنامه فوق لیسانس خود را در رشته جامعه شناسی می گیرد. از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ به عنوان کارشناس تشکیلات و بودجه با دانشگاه تهران همکاری می کند و پس از پیروزی انقلاب اسلامی در هیات علمی گروه های جامعه شناسی و انسان شناسی دانشکده علوم اجتماعی به عنوان عضو تمام وقت پذیرفته می شود و این همکاری همچنان ادامه دارد

• آقای ثلاثی با آثار متعددی که در حوزه علوم اجتماعی با قلمی روان ترجمه نموده کارنامه خوبی از خود نشان داده است آنچه در پی می آید، حاصل گفت و گویی است که با ایشان داشته ایم.

- آثار قلمی جنابعالی به جز یک مورد همه از نوع ترجمه بوده است به نظر می رسد که لزوم انتقال یافته یها دانشمندان غربی که پدید آورنده علوم اجتماعی بوده اند و عدم انتقال گسترده و مکفی علوم اجتماعی به ایران در روی آوردن شما به قلمرو «ترجمه» تاثیر داشته است. مناسب است که از زبان خود شما علت گرایش به این حوزه را بشنویم.

**عدم انتقال گسترده و مکفی علوم
اجتماعی به ایران**

• اصلا قرار نبود که بنده از ابتدا به عنوان یک مترجم حرفه ای فعالیت داشته باشم. شروع کار در زمینه ترجمه به این علت بود که فکر می کردم کار موقتی است و قصد داشتم در رشته مورد علاقه خودم در خارج از کشور ادامه تحصیل بدهم و یک کار علمی و دانشگاهی را در پیش بگیرم اما به دلایل مختلف این امکان برای بنده فراهم نشد.

- به همین دلیل وارد این فعالیت شدم و به تدریج عملاً به عنوان یک مترجم حرفه ای در رشته علوم اجتماعی جا افتادم، اما اینکه چرا اصولاً بیشتر به کار ترجمه روی آوردم، این امر مقداری به امکانات مملکت ارتباط دارد و مقداری م مربوط به این می شود که ترجمه متون خارجی یک کار آماده و سریعتری بود تا تحقیق در زمینه علوم اجتماعی چون تحقیق مستقل اصولاً وقت بیشتری به خود اختصاص می دهد و امکانات بیشتری می خواهد و این امکانات از نظر مالی و از نظر تشکیلاتی لازم است.

تحقیق مستقل

- متأسفانه در ایران جامعه علمی ما هنوز به آن حد نرسیده بود که بتواند به طور مستقل و خودمختار کار تحقیقی را شروع بکند و از طرف دیگر ما احساس می کردیم که خوانندگان فارسی زبان به یک رشته اصول و مبادی در همین رشته علوم اجتماعی نیاز دارند که ان اصول و مبانی علمی هنوز در جامعه علمی وجود ندارد یا خیلی ضعیف است بنابراین ناچار شدیم که مستقیماً به متون خارجی متوسل شویم و ترجمه راه خیلی مستقیم و ساده و ممکن بود تدوین این اصول و مبانی در غرب به صورت اصولی انجام شده بود و با زمینه و متنی که در بررسی های اجتماعی چه از حیث نظری و چه از حیث عملی وجود داشت کارهای دقیق و روشن و مستدلی در این زمینه صورت گرفته بود و منابع و امکانات موجود بود

مستقل و خودمختار

• و ما از این طریق می توانستیم به سرعت نیاز علمی و نظری خوانندگان فارسی زبان را از طریق ترجمه معتبرترین فارسی زبان را از طریق ترجمه معتبرترین متون این رشته بر آورده کنیم. به همین جهت ترجیح دادیم که ترجمه را انتخاب کنیم و از طرف دیگر هم اصولاً سنت تحقیق در علوم اجتماعی در ایران خیلی ضعیف بوده و سنتی وجود نداشته که ما از طریق آن بخواهیم خودمان کارهای دسته اولی انجام دهیم.

**اصولاً سنت تحقیق در علوم اجتماعی در
ایران خیلی ضعیف بوده**

در واژه سازی تلاش می کنیم طوری این واژه ها انتخاب شود که زیاد
با ساختمان مانوس زبان فارسی بیگانه نباشد و در این جا از تجربه و جز
مناسبت موضوعی هیچ معیار دیگری نداریم

- فکر نمی کنید دلیل این که سنت و شیوه ای پایدار در تحقیق اجتماعی وجود نداشته، این بود که اصل علم الاجتماع که مشتمل بر نظریه ها و روش ها است در جامعه ما به حد قابل قبولی نبوده که بخواهد تحقیقی هم مبتنی بر آن انجام بگیرد؟

• بنیید اصولاً علوم اجتماعی به خصوص جامعه‌شناسی یک رشته خیلی قدیم نیست. یک رشته جدیدی است که در صد سال گذشته در تفکر غرب جا باز کرده است. ما در ایران تحقیقات ارزشمندی درباره ادبیات تاریخ فلسفه و درباره سایر رشته‌های علوم انسانی داشتیم و این سنت فکری از دیر زمان وجود داشته اما در زمینه جامعه‌شناسی اصولاً این رشته، رشته جدید بوده و هنوز اصول و مبادی آن جا نیفتاده بود. یعنی موقعی که ما شروع کردیم به ترجمه متون علوم اجتماعی این سنت وجود نداشت

این سنت فکری از دیر زمان وجود داشته

- و ما در حال واردات آنها بوده و هستیم، اما در غرب و در فضای فرهنگی غرب این رشته در همین صد سال گسترش خیلی زیادی پیدا کرده بود و تمام شاخه های آن به طور مستقل و جداگانه تثبیت شده بود و منابع و متون فراوانی در همین زمینه وجود داشته و از طرفی تحقیق در مرد جامعه و ساختمان اجتماعی جامعه به یک فضای خاصی احتیاج داشته و دموکراسی که در جوامع غربی وجود داشته و از طرفی تحقیق در مورد جامعه و ساختمان اجتماعی جامعه به یک فضای خاصی احتیاج داشته

• و دموکراسی که در جوامع غربی وجود داشت و آزادی نسبی که محافل دانشگاهی در جوامع غرب داشتند باعث شده بود که راحت تر این کار را انجام بدهند. آنها معمولاً کارهای عملی خود را به روش‌های معتبرتری انجام داده‌اند و در مجموع منابع و متونی که در جهان غرب وجود دارد چه از نظر کمی و چه از نظر کیفی، وسیعتر و عمیقتر از متون ضعیف و اولیه بوده که در این جا وجود داشته به همین دلیل بالطبع هر کس در ایران در این زمینه کار می‌کند گرایش پیدا می‌کند به ترجمه تا این که خودتان بخواهد یک تحقیق ایرانی انجام بدهد.

آزادی نسبی

- پژوهشگران یکی از دلایل رشد علوم اجتماعی به ویژه جامعه‌شناسی در غرب را وجود برخی مشکلات و مسائل اجتماعی در آن موانع و باور به این نکته که این گونه مسائل را باید به شیوه علمی حل کرد می‌دانند. سوالی که در این جا پیش می‌آید این است که چرا در ایران با این که مسائل و معضلات اجتماعی وجود داشته، جامعه‌شناسی تکامل نیافته است؟

**یکی از دلایل رشد
علوم اجتماعی**

• در جامعه لیبرال دموکراسی غرب حکومت ها و نهادهای اداره کننده جامعه ناچار بودند به مسائل اجتماعی توجه کنند برای این که بتوانند جامعه را به یک شکل دموکراتیکی اداره کنند. مسائلی که ان جا وجود داشته به نوعی بوده که می بایست با مشارکت گروه های مختلف اجتماعی حل بشود و چون در ایران اصولاً تمام امور اجتماعی از بالا و از راس حکومت سامان داده می شد و حکومت ها معمولاً پاسخ گوی مردم نبودند و از طرف دیگر مردم قدرت نداشتند حکومت ها را وادار کنند به این که به مسائلمان به طور جدی پردازند به رغم وجود مسائل اجتماعی در جامعه ایران این امکان فراهم نشد که تحقیقی در مسائل اجتماعی انجام شود برای اجرای تحقیق در مسائل اجتماعی باید نهادهایی وجود داشته باشد که نیاز به ان را احساس بکند

یک شکل دموکراتیکی

• و آنها را در صورتی نیاز به این تحقیق را احساس می کنند که مجبور و موظف به حل مسائل اجتماعی باشند و این وظیفه هنگامی احساس می شود که مردم حکومت شوندگان و گروه های مختلف اجتماعی که در جامعه زندگی می کند در تعیین قدرت خودشان و تعیین قدرت افرادی که در راس حکومت قرار دارند، نقش داشته باشند و چون این مقدمات و شرایط وجود نداشت اصولاً مسائل اجتماعی در ایران مورد توجه قرار نگرفت. اگر در ایران هم وضع به صورتی بود که اصولاً دولت و نهادها و سازمان های حاکم احساس می کردند که باید به صورت اصولی مسائل جامعه خود را حل کنند به نحوی که بتوانند آرای مردم را در اختیار داشته باشند آنگاه ما هم ناچار می شدیم که مسائل اجتماعی خود را به شکل علمی و مبتنی بر پژوهش های تخصصی حل نماییم.

دولت و نهادها و سازمان های حاکم

برای ترجمه باید کتابی را انتخاب بکنیم که هم قابل ترجمه باشد و هم نیازهای مملکت را برآورده کنیم و تا آن جا که ممکن است باید هر فرد یک رشته تخصصی، در ترجمه انتخاب کند و سعی کند در همان چارچوب قرار بگیرد تا پس از یک دوره معین، تجربه و تخصص لازم را بتواند کسب کند

• بسیاری از خوانندگان ما می دانند که تعداد زیادی از کتاب های اصلی علوم اجتماعی در حوزه نظریه های روش تحقیق انسان شناسی و حوزه های مختلف جامعه شناسی به قلم شما ترجمه شده است و از این نظر دانشجویان و علاقه مندان علوم اجتماعی و امدار شما هستند اخیرا نیز کتابی با عنوان «جامعه شناسی دین» به دست شما ترجمه شده که در این حوزه اولین کتاب محسوب می شود کتابی نیز تحت عنوان «روش تحقیق کیفی» در دست ترجمه دارید که نظیر کتاب اخیر اولین کتاب است. مترجمین دیگری نیز به ویژه پس از انقلاب اسلامی یک حرکت گسترده و جدی در مورد ترجمه متون مقدس آغاز کرده اند. سوال این است که آیا انتخاب این کتاب ها مبنای صحیحی داشته و آیا با نیازهای جامعه منطبق بوده است. آیا تزریق بی رویه این کتاب ها مصر به حال جامعه علمی نیست. آیا بهتر نیست به جای انتخاب های شخصی یک نهاد تخصصی در علوم اجتماعی وجود داشته باشد که کتاب ها را از نظر اولویت و محتوا وجود داشته باشد ه کتاب ها را از نظر اولویت و محتوا طبقه بندی بکند؟ و یا این که اساسا به شکل تیم و گروهی دست به تالیف یا ترجمه کتاب های علوم اجتماعی بزنند؟

• این که همه مترجم ها در این مملکت واقعا بر اساس نیازهای واقعی و عین جامعه کتاب هایی را برای ترجمه انتخاب بکنند چنین وضعیتی در ایران وجود نداشته و در ضمن بیشتر افرادی که در رشته علوم اجتماعی البته علوم اجتماعی در معنای عام ترجمه کرده اند متخصص در آن رشته نبوده اند و هنوز هم مترجمان متخصص در رشته های گوناگون در ایران تربیت نشده اند. به همین جهت نمی شود گفت انتخاب کتاب ها برای ترجمه مبتنی بر اصول و ضوابطی هست و متخصصان رشته های مختلف بر حسب نیاز رشته خودشان کتاب هایی را برای ترجمه انتخاب می کنند اما این که این کتاب ها و ترجمه های رنگارنگ و گاه مشابه تا چه حدی می تواند به جامعه خدمت بکند یا حتی مضر باشد. البته مضر که به هیچ وجهی نمی شود گفت انتشار کتاب در یک جامعه زیان به جامعه براسند. بالاخره حتی اگر کوچکترین شنختی درباره مسائل اجتماعی به جامعه بدهد به اندازه خودش مفید است. اما اگر سازمان و تشکیلاتی وجود داشت که جنبه هدایتی و ارشادی داشته باشد نه جنبه تکلیفی می توانست این انرژی ترجمه را در مسیرهایی به جریان بیندازد که فایده و کارایی بیشتری برای جامعه داشته باشد و نیازهای اساسی جامعه را برآورده می کرد و مشابه کاری هم کمتر می شد و ترجمه آثار مشابه هم کمتر منتشر می شد و البته این بهتر بود چون از منابع مملکت بیشترین استفاده را می بردیم و این که بهتر بود یک سازمان و تشکیلاتی به عنوان هادی و راهنما عمل می کرد من با شما موافق هستم. اگر بود کمک می کرد به این که ما در انتخاب هایمان راحت تر عمل بکنیم و تکرار و مشابه کاری هم انجام نشود

• اما این نوع تشکیلات که به وجود می آید گردانندگان و مسئولانش معمولاً اهلیت و شایستگی برای این کارها را ندارند و جز ایجاد یک سازمان بوروکراتیک دیگر اضافه بر سازمان های موجود نتیجه دیگری به دست نمی دهد و همین کوشش خودجوش و خودانگیخته مترجمان که بر اساس نیازهای بازار و علایق خودشان ترجمه می کنند بهتر است و نتیجه بخش تر از این است که سازمانی بیاید بدون هیچ گونه اهلیتی و تخصصی اگر بخواهد تکلیف را برای ما روشن کند البته گفتم یک سازمان بوروکراتیک دیگر اضافه بر سازمان های موجود نتیجه دیگری به دست نمی دهد و همین کوشش خودجوش و خودانگیخته مترجمان که بر اساس نیازهای بازار و علایق خودشان ترجمه می کنند بهتر است و نتیجه بخش تر از این است که سازمانی بیاید بدون هیچ گونه اهلیتی و تخصصی بخواهد کار این ها را سازمان و نظم بدهد و به خصوص اگر بخواهد تکلیف را بر ما روشن کند. البته گفتم یک سازمان ارشادی که بتواند کمک و راهنمایی بکند منتهی کوچکترین دخالت دستوری و تکلیفی انجام ندهد.

• این کار مفید است اما در مورد کارهای تیمی و گروهی باید توجه کرد که معمولاً تجربه کار تیم در ایران به دلیل نداشتن و عادت نداشتن ما به این نوع کار، موفق و نتیجه بخش نبوده است خود من نیز تجربه خوبی در این زمینه نداشته ام و مجموعاً به این نتیجه رسیده ام که اگر به تنهایی مسئولیت ترجمه را بر عهده بگیرم این کار نتیجه بخش تر و مفید تر خواهد بود.

- به عنوان مقدمه ای برای سوالات بعدی لطفا ضمن ارائه یک ارزیابی از میزان ورود دانش اجتماعی به ایران، مقایسه ای بین دوره قبل از انقلاب اسلامی و بعد از آن از این حیث به عمل آورید.

• اصولاً علوم اجتماعی و تحقیقات اجتماعی زاینده در یک جامعه متحول است معمولاً تغییرات اجتماعی محرک محققان و مولفان و مترجمان در کارهای خودشان است قبل از انقلاب جامعه ایرانی، جامعه ایستا تری بوده و تغییر و تحول کمتری را شاهد بوده است. بالطبع انقلاب اسلامی ایران، جامعه ایران را متحول کرد و جامعه قبل از انقلاب با جامعه بعد از انقلاب از نظر میزان تحولاتی که پذیرفته قابل مقایسه نیست. به خاطر همین هم اصولاً تقاضا برای مطالعه کتاب هایی در زمینه تغییرات و تحولات اجتماعی و مسائل اجتماعی بعد از انقلاب به مراتب زیادتر از قبل از انقلاب شده و به همین مناسبت هم حجم کتاب هایی که در این زمینه ترجمه شده (حالا تالیف را کاری نداریم) به مراتب بیشتر از قبل از انقلاب بوده و این نشان دهنده این است که اصولاً عرضه کتاب های تحقیقی علمی متناسب است با تقاضایی که جامعه دارد و این تقاضاها بود که باعث شده مترجمان، دست اندر کاران متفکران به این فکر بیفتند که بالاخره مسائل اجتماعی را که بعد از انقلاب حجمش چندین برابر قبل از انقلاب شده مورد بررسی و تحقیق قرار بدهند و یا این که ترجمه هایی را انتخاب بکنند که تا اندازه ای پاسخ گوی این همه مسائل و مشکلات اجتماعی بعد از انقلاب باشد.

جنابعالی برای انتخاب کتاب جهت ترجمه چه معیارهایی دارید؟

- چند معیار برای من اهمیت داشته است. معیار اول نیاز فکری و ذهنی جامعه بوده دوم معتبر بودن و موثق بودن ک متن در ان موضوعی که نیاز جامعه را برآورده می کند و سوم علایق شخصی و انتخاب شخصی. به هر حال هر مترجمی یک سری علایق و سلیقه هایی دارد و این علایق را در آن انتخاب دخالت می دهد. منتهی دو معیار تقاضای جامعه و اعتبار و موثق بودن یک متن برای برآورده کردن ان تقاضا برای من بسیار مهم بوده اند. یعنی از یک طرف بررسی می کردم جامعه به چه نوع کتاب هایی نیاز دارد و به دنبال چه موضوعه هایی هست از طرف دیگر هم سعی می کردم این نیاز را با انتخاب معتبر ترین کتاب های آن رشته که در زبان انگلیسی وجود دارد جوابگو باشم.

• به نظر شما آیا هیچ رابطه متقابل و سازنده ای میان کتب ترجمه شده در علوم اجتماعی و تحقیقات جاری در این رشته وجود دارد؟

• متاسفانه ان ارتباط متقابلی که بین متون ترجمه و اصولا مسائل نظری و تحقیق های عملی باید وجود داشته باشد، موجود نیست. کسانی که در قلمرو نظری اشتغال دارند که ترجمه هم جزیی از آن است با کسانی که در بعد عملی تحقیق می کنند رابطه چندانی تنگاتنگ و متقابلی با هم ندارند اما بیشتر کتاب هایی که ترجمه می شود کمابیش از سوی محققان و پژوهشگران مطالعه می شود و از این طریق زمینه های ذهنی و فکری لازم در آنها ایجاد می شود و یا زمینه های موجود تعدیل می گردد ولی متاسفانه محققانی که در عمل و در میدان تحقیق کار می کنند آن قدرها خود را به مطالعه کتاب هایی که در همان زمینه از جهت نظری ترجمه یا تالیف شده نیازمند احساس نمی کنند و این دو بعد هر کدام مستقل از دیگری عمل می کند و این یک ضعف تلقی می شود باید یک رابطه ارگانیک بین مترجمان و مولفان ظنری رشته علوم اجتماعی و محققان عملی وجود داشته باشد و باید به این سمت پیش برویم.

جامعه ایرانی، جامعه نسبتاً بی‌همتایی است و با تحولات خاصی که پشت سر گذاشته، در بسیاری از موارد ممکن است شباهتی با جوامع غربی نداشته باشد. به همین جهت تحقیق و تالیف در زمینه مسائل اجتماعی جدا از ترجمه، در ایران ضروری است

- به عنوان عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران بفرمایید چه رابطه ای بین ترجمه های شما و کار منظم تان در دانشکده وجود دارد؟

- ترجمه های من به دو دسته تقسیم می شود. ترجمه هایی که عام تر هستند و تقریب می شود گفت کمک درسی هستند و می شود مستقیماً برای تدریس انتخاب کرد اما مدت چندین سال است که من فقط برای پر کردن خلاهایی که در زمینه متون درسی در دانشکده علوم اجتماعی وجود دارد کار کرده ام و هم اکنون کتبی که ترجمه کرده ام در دانشکده ها و رشته های مختلف تدریس می شود البته خودم خیلی کم تدریس می کنم و سعی می کنم بیشتر وقت خود را صرف ترجمه و تولید کتب درسی بکنم. در مجموع تصور می کنم توانسته ام یک رابطه خوبی بین کار ترجمه و کار تدریس ایجاد کنم.

• به نظر شما ترجمه متون می تواند جای تالیف در زمینه های مربوط را بگیرد؟

• خیر من اعتقاد دارم ترجمه یک چیز است و تالیف چیز دیگر باب تالیف هنوز به روی کسانی که علاقه مند هستند باز است البته این ترجمه ها می تواند به عنوان عوامل کمکی و مرجع مورد استفاده مولفین قرار بگیرد ولی تالیف اصولاً یک چیز دیگر است و یک تالیف مستقل و جداگانه در زبان فارسی بدون این که کاملاً متأثر از ترجمه باشد همیشه در جامعه نیازش احساس می شود اصولاً محققان استادان صاحب نظران علوم اجتماعی در ایران باید کارهای ایرانی تر و بومی تری انجام دهند زیرا مسائل خاصی هست که مختصر ایارن است. جامعه ایران به نسبت یک جامعه بی همتایی است و با تحول خاص که پشت سر گذاشته و در بسیاری از موارد ممکن است شباهتی با جوامع غربی نداشته باشد به همین جهت، تحقیق و تالیف در زمینه مسائل اجتماعی جدا از ترجمه در ایران ضروری است ولی این کار را باید استاتدان محققان و صاحب نظران ما انجام بدهند.

- بالطبع مترجمان این فرصت را ندارند شاید بهتر این باشد که مترجمان کار خودشان را بکنند چون فرض می کنیم یک مترجمی که ۳۰ سال در ترجمه کار کرده یک تخصص و مهارتی پیدا کرده بهتر است در همان ترجمه کار خود را ادامه بدهد و اساتید و صاحب نظران کمتر ه ترجمه پردازند چون این کار یک ممارست، کاردانی و مهارت خاصی می خواهد که به تجربه به دست می آید و معمولا این ها این تجربه را ندارند اما می توانند در زمینه تالیف و در زمینه تحقیق مستقل و بررسی های مستقل علوم اجتماعی در ایران کار بکنند. به نظر من یک محقق ایرانی، به مراتب واجد شرایط تر از یک فرد غربی در زمینه تحقیق در مسائل ایران است، اما محققان ایرانی بایستی به روش های تحقیق و به اصول نظری تحقیق تسلط پیدا کنند و پژوهش های خود را بر این مبنا سامان دهند.

● پس به نظر شما اکنون در زمینه تالیف به خصوص تحقیق در مورد مسائل عینی و ملموس ایران عقب تر از ترجمه هستیم و توصیه تان این است که اساتیدی که کار ترجمه می کنند این رسالت سنگین را بر عهده بگیرند؟

• بله البته این کار به علت تنگناهای مالی که اعضای هیات علمی و محققان ما دارند انجام شده است. معمولاً اساتید برای حل مشکلات معیشتی خود بیشتر وقت خود را به تدریس تکراری در دانشکده های مختلف اختصاص می دهند اگر پایه حقوقی این ها به طریقی اصلاح شود که بتوانند بدون تدریس اضافی، هزینه های زندگی خود را تامین کنند مطمئناً زمینه فراهم می شود که بنشینند و کار اساسی در این زمینه انجام بدهند اصولاً یک کار تالیفی وقت بیشتری می برد و در این مدت باید تکلیف مسائل مادی مولف هم روشن باشد. محقق و مولفی که نگران مسائل مادی خود هست و هر روز با این مسائل دست به گریبان است آمادگی، آرامش و زمینه مساعد را برای تحقیق مستقل ندارد.

آیا ترجمه هایی که تاکنون داشته اید منعکس کننده گرایش سیاسی اعتقادی و ایدئولوژیکی خاصی است؟

• البته سال ها است که من به این نتیجه رسیده ام که اصولا مسائل جامعه ایرانی باید به گونه ای علمی مطرح شود و پاسخ های دقیق علمی برای آنها مطرح شود و اصولا مسیری را انتخاب کرده ام که مبتنی بر جهت گیری سیاسی خاصی نباشد البته در این جا من سعی کرده ام در هر رشته ای که ترجمه انتخاب می کنم معتبرترین کتاب را در آن رشته انتخاب کنم. حالا این کتاب معتبر را یک آدمی با گرایش دسته چپ نوشته باشد یا با گرایش دسته راستی. مثلا در میان کتاب های من هم یک نویسنده ای به نام مارکوزه هست که معلوم است گرایش های دسته چپی مارکسیستی دارد و منتهی کتابی که م از مارکوزه انتخاب کردم یک کتاب اکادمیک دانشگاهی بوده و جزو کتب معتبر درسی در زمینه تحلیل و شناخت فلسفه و منطق هگلیسم و مارکسیسم است. از سوی دیگر، کتابی ترجمه کردم تحت عنوان «سامان سیاسی...» از یک متفکر دست راستی. این کتاب نوشته ساموئل هانتینگتون است که همه او را می شناسند.

- یک متفکر دست راستی است و چپ ها و نئومارکسیست ها او را قبول ندارند لکن کتاب او یکی از معتبرترین منابع در زمینه رشد و توسعه سیاسی است و کسانی که در یان رشته کار کرده اند بی نیاز از این کتاب نیستند و خود چپ ها هم در موقع نیاز باید به این کتاب مراجعه کنند، معیار انتخاب کتاب من گرایش سیاسی نبوده است. البته هر کسی برای خود گرایش سیاسی دارد. منتهی برای بنده معیارهای علمی و اعتبار و موثق بودن کتاب مهم تر بوده است

جامعه ایرانی، جامعه نسبتاً بی‌همتایی است و با تحولات خاصی که پشت سر گذاشته در بسیاری از موارد ممکن است شباهتی با جوامع غربی نداشته باشد. به همین جهت، تحقیق و تالیف در زمینه مسائل اجتماعی جدا از ترجمه در ایران ضروری است

پس از حدود ۶۰ سال که علوم انسانی و علوم اجتماعی به زبان فارسی ترجمه می شود هنوز تکلیف معادل های مناسب و پذیرفته شده در رشته های علوم اجتماعی روشن نشده و باید برای هر اصطلاحی خودمان واژه سازی کنیم...ای کاش فرهنگستانف افراد موجه و صاحب نظری را که تجربه بیشتری در این زمینه دارند، انتخاب بکند که لا اقل تکلیف این معادل هایی را که کمتر مورد آنها اختلاف هست، روشن کند

• بهتر است قدری هم وارد اصل مساله نرجمه بشویم، به نظر شما کار ترجمه در حوزه علوم اجتماعی چه مشکلات و دشواری هایی دارد؟

• ترجمه ذاتا کار مشکلی است. چون یک زبان و یک فرهنگ را بخواهیم به یک زبان و فرهنگ دیگری برگردانیم با مشکلات زیادی مواجه می شویم که همیشه یک بعد فرهنگی بین زبان ترجمه شده و زبان متن وجود دارد که این سد به طور اصولی بلکه به طور کامل برداشتنی نیست و مترجم تا آن جا که ممکن است سعی می کند موضوع متن را به صورت یک متن فارسی و قابل فهم دریاورد بدون این که به آن متن اصلی و پیام از نظر استعداد مفهوم سازی و داشتن ذخایر و گنجینه واژه ها برای ترجمه متونی که از هر یک از این زبان های پیشرفته غربی وجود دارد اصولا دچار مشکل می شود به خاطر این که اگر یک مترجم اسپانیایی بخواهد یک کتابی از انگلیسی به اسپانیایی ترجمه کند بالاخره این ها زبان های لاتینی هستن و خیلی نزدیک به هم هستن اما یک مترجم فارسی با وجود این که در دوهرا ای شاید در منقطه وسیعی از جهان شبه قاره هند و تقریبا در سراسر جاده ابریشم تا اندازه ای به شکل یک زبان بین المللی جریان داشته، متسفانه از زمانی که در لاک خودمان فرو رفته ایم و از قافله پیشرفت جهانی عقب افتاده ایم توانایی زبانی ما تضعیف شده است اصولا ما در قدیم یک فرهنگ جهانی بودیم و دائما از طریق جاده ابریشم با جهان در تماس بودیم و فرهنگ ما، فرهنگ منزوی و بومی نبوده است اما از یک زمان خاصی به بعد به خصوص از دوره قاجار منزوی شدیم و از توید فرهنگ وا ماندیم...

وقتی یک ملتی قدرت خود را در صحنه جهانی از دست می دهد، ارتباط خود را و نقش تولیدی خود را در سطح جهانی از دست می دهد، دچار فقر واژگانی می شود و این برای ما بزرگترین مشکل را ایجاد می کند

فرهنگ به معنای تولید دائمی منظور تان است؟

- تولید فرهنگ به معنایی که مفاهیمی را به تنسبا نیازهای متغیر و روبه توسعه جامعه هانی ایجاد بکنیم ما یک زمانی، هم در تماس با فرهنگ جهانی بودیم . هم در تولید فرهنگ جهانی نقش داشتیم و نقش سازنده و تعیین کننده ای داشتیم و زبان فارسی یکی از زبان های آشنا و رایج اجتماع جهانی زمان خودش بوده است. الان دیگر وا مانده ایم و آن نقش را نداریم و حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ سال است که متوقف شده ایم، وقتی یک ملتی قدرت خود را در صحنه جهانی از دست می دهد، ارتباط خود را و نقش تولیدی خود ر در سطح جهانی از دست می دهد. دچار فقر واژگانی می شود. فقر واژگانی برای ما بزرگترین مشکل را ایجاد می کند چون ما ناچاریم یک زبان بسیار قوی که از نظر واژه ها و مفاهیم بسیار قوی و غنی است به زبانی که متاسفانه دچار ضعف شده ترجمه کنیم و این کار مشکلی است.

• مشکل دیگری که ما با آن رو به رو هستیم آن است که پس از حدود ۶۰ سال که علوم انسانی و علوم اجتماعی به زبان فارسی ترجمه می شود هنوز تکلیف معادل های مناسب و به اصطلاح پذیرفته شده در رشته های علوم اجتماعی روشن نشده و باید برای هر اصطلاحی خودمان یک واژه ای بسازیم. در بسیاری از این موارد این واژه ها وجود ندارد و هیچ سازمانی هم تاکنون نیامده تا اندازه ای واژه های توافق شده و معادل های توافق شده را طبقه بندی بکند و به عنوان اصطلاح های صد درصد تعیین شده در اختیار ما بر دهد و ما اکنون علاوه بر مشکل مفهومی و مشکل زبانی با مشکل معادل ها هم رو به رو هستیم. ای کاش ان فرهنگستان افراد مرجح و موجهی را که تجربه بیشتری در این زمینه دارند، نه داد زیاد و دست پا گیر، بلکه یک تعداد خیلی اقتصادی و خیلی اندک ولی صاحب نظر و صاحب حجیت را انتخاب بکند که لا اقل تکلیف آن معادل هایی را که کمتر در مورد آنها اختلاف هست، روشن بکند و آنها را به صورت یک کتابچه در اختیار ما قرار بدهد.

- در مجموع ترجمه، کاری دشوار است کاری است که انرژی عصبی زیادی می برد و مرتجم های ایرانی تقریباً دست تنها کار می کنند و آن کمک ها و وسایل و امکانات که مترجمان سایر کشورها دارند در اختیار ندارند و این خود برای مشکلات زیادی ایجاد می کند.

- در همین ارتباط سوالی دارم و آن این که جنابعالی با چه شیوه و کیفیتی واژه یابی می کنید و ترجمه های شما به چه نحوی معادل یابی می شود؟

• معادل هایی که انتخاب می کنیم به روش تجربی است. یعنی در عمل، به این نتیجه می رسیم که کدام معادل برای کدام واژه تازه ای مناسب است ما تمام واژه نامه هایی را که در زمینه علوم اجتماعی منتشر شده در اختیار داریم و سعی می کنیم که خودمان نیز واژه سازی کنیم. البته در گذشته دور علاقه زیادی به واژه سازی ابتکاری داشتیم ولی الان بعد از مدت ها که کار کردیم به این نتیجه رسیدیم که اول ببینیم چه واژه هایی انتخاب شده و در مورد کدام یک از واژه ها به طور ضمنی اجماع وجود دارد و آن واژه هایی که جا افتاده و جامعه علمی ما در مورد آن تا اندازه ای اجماع دارد اول آنها را انتخاب می کنیم اما چون این واژه ها محدود هستند و به اندازه کافی نیستند گاهی ناچار می شویم واژه سازی کنیم. در وره سازی تلاش می کنیم طوری این واژه ها انتخاب شود که زیاد با ساختمان مانوس زبان فارسی بیگانه نباشد و در این جا جز به اصطلاح تجربه و جز مناسبت موضوعی، هیچ معیار دیگری نداریم و بالطبع سلیقه خودمان را هم دخالت می دهیم. اما تا آن جا که ممکن است سعی می کنیم معادل هایی را انتخاب کنیم که راحت تر جا بیافتد البته ممکن است در این کار کاملاً موفق نشویم. مرور زمان باعث می شود که در معادل ها تجدید نظر کنیم که ذاتاً استعداد رواج پیدا کردن داشته باشد

- آیا جنابعالی در ترجمه ها به اصول کلی رسیده اید که برای کترجمان علوم اجتماعی مفید باشد؟ و توصیه ای در این رابطه دارید؟

- توصیه من این است که قبل از این که کتاب را برای ترجمه انتخاب بکنیم آنرا خوب بخوانیم چون بسیاری از کتاب ها است که ترجمه پذیر نیست. یعنی به زبان فارسی در نمی آید و انتخاب کردن آن کتاب برای ترجمه و چالش پیمود با آن ترجمه کردن و نتیجه ملیتی را هم به دست نیاوردن فایده ای ندارد بهتر است قبلا آن را بخوانیم و ببینیم آن کتاب قابل ترجمه هست یا خیر. بسیاری از کتاب هایی که مثلا امروز در مورد Post Modernism وجود دارد تقریبا ترجمه ناپذیر است و اگر بخواهیم ترجمه دقیقی از آن بکنم واقعا موفقیت در این ترجمه ها کار بسیار سختی است.

• اول باید کتاب خوانده شود بعد هم سعی بکنیم متن هایی را انتخاب بکنیم که الان ضروری تر است ما اکنون آن امکانات سازمانی و پرسنلی را به حد کافینداریم و تمام کتبی را که در حوزه علوم اجتماعی در خارج منشتر شده نمی توایم و نباید ترجمه کنیم پس باید انتخاب بکنیم. برای انتخاب بهترین کار این است که اول نگاه کنیم ببینیم چه خلا هایی در رشته های علمی مورد نظرمان وجود دارد. یعنی اول به کتاب های اساس تر ر آن رشته پردازیم چون هنوز ما در زمینه کتب اساسی در رشته علوم اجتماعی دچار فقر و ضعف هستیم.

- نکته بعد این است که باید مخاطب خود را در نظر داشته باشیم مترجم باید همیشه خود را به جای خواننده کتاب بگذارد که آیا این جمله ای که ترجمه کرده برای خواننده کتاب قابل فهم هست یا نیست و دقت بیش از اندازه و تحت الفظی جز لطمه زدن به متن فارسی هیچ نتیجه دیگری ندارد تا آن جا که ممکن است مخاطبان خود را در نظر داشته باشیم و ترجمه هایی را منتشر کنیم که خواند بشود. بالاخره منابع و انرژی مملکت کاغذ و امکانات در این مملکت صرف می شود و کتابی منتشر می شود. اگر این کتاب خوانده نشود هر چقدر هم که دارای ارزش ذاتی باشد باز عملاً فایده ای برای کل جامعه ندارد کتابی را انتخاب کنیم که هم خودش قابل ترجمه باشد و هم یک سری از نیازهای مملکت را برآورده کند و تا آن جا که ممکن است سعی کنیم کار خود را تخصصی کنیم چون ترجمه از یک رشته به رشته دیگر اصلاً داستان متفاوتی است مفاهیم و واژگان تخصصی با هم متفاوت اند از این شاخه به آن شاخه پریدن نتیجه خوبی ندارد و خوب است هر کسی یک رشته تخصصی را در ترجمه انتخاب کند و سعی کند تا آن جا که ممکن است در همان چارچوب قرار بگیرد تا پس از یک دوره معین، تجربه و تخصص لازم را بتواند کسب بکند.

• آیا در ترجمه به مشکل مهمی برخورد کرده اید که به شکل یک خاطره برای شما باقی مانده باشد؟

• بله بعضی اوقات احساس می‌کنم که انتخاب کتابم از لحاظ ترجمه پذیری درست نبوده است «روش تحقیق کیفی که جزو کار من بوده و ترجمه کرده‌ام واقعا واسط کار به رغم اهمیت علمی کار و نیاز زیاد جامعه علمی به این کتاب گاهی به این نتیجه می‌رسیدم که این کار را واگذار بکنم و ادامه ندهم. اما بالاخره تعهد داشتم این کار را با همه زحمت و مشقتش تمام کنم. این کتاب یکی از بزرگترین چالش‌های ترجمه من بوده است. بعضی اوقات احساس می‌کردم که اصلا به فارسی در نمی‌آید و ترجمه پذیر نیست اما خوب تا آن جا که ممکن بود سعی کردم یک ترجمه قابل فهمی را عرضه کنم الان به این نتیجه رسیده‌ام که در انتخاب کتاب سخت‌گیری بیشتری بکنم و سعی کنم ترجمه پذیر بودن یک کتاب را در نظر داشته باشم.

• در حقیقت انتقادی که شما کردید ناظر بر دشواری ترجمه بود آیا در مورد همین کتاب نو بودن محتوای آن و این که تاکنون در جامعه ما هیچ کتاب روش تحقیق کیفی وجود نداشته از نظر شما اهمیت ندارد؟

• این کار به خاطر این که اولین اقدام در همین زمینه بود ارزش و فایده خود را دارد. اگر این کتاب هر ضعف و نقصی را هم داشته باشد این حسن را دارد که به موضوع تازه و جدیدی پرداخته تمام کتاب هایی که ما تا به حال در روش تحقیق داشته ایم بیشتر متکی بوده بر بررسی و تحقیق آماری و بیشتر متونی که در اختیار داشته ایم برای تحقیق کمی بوده است. برای اولین بار کتابی درباره تحقیق کیفی در ایران عرضه می شود که این لا اقل می تواند فتح بابی باشد و این باعث می شود توجه به این مساله جذب شود و دیگران کارهای بهتر و روانتری را در همین زمینه منتشر کنند.

• آیا به فکر تالیف کتاب در زمینه علوم اجتماعی در آینده هستید؟

• همیشه این وسوسه برای من وجود داشته که کتاب مستقلی به خصوص در زمینه تاریخ اجتماعی و فرهنگ ایران منتشر بکنم و اما این کار از یک طرف نیاز به فرصت دارد و مقداری هم امکانات مالی که چندین سال را شما صرف فیش برداری و گردآوری مدارک و اطلاعات یکی یا این فرصت را تاکنون به دست نیاورده ام و احساس می کنم یک آدم نیمه متخصص شده ام که قطعاً می تواند کار خودش را انجام دهد و امیدوارم در آینده چنین فرصتی به دست بیاید اما می ترسم این آینده آنقدر دور باشد که از هر نظر به عنوان مترجم جا افتاده باشم و دیگر نتوانم کار تالیفی انجام بدهم.

- آخرین ترجمه ای را که توسط موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان منتشر نمودید کتاب جامعه شناسی دین است می خواهم انگیزه حضرت عالی را در درجه اول در مورد ترجمه این کتاب بدانیم و در مرحله بعد قدری راجع به خود کتاب با ما صحبت کنید؟

• این کتاب به این دلیل برای ترجمه انتخاب شد که ما درس جامعه‌شناسی دین را به‌خصوص در مقطع کارشناسی ارشد داشتیم، در سراسر ایران این عنوان تدریس می‌شود. منتهی مواد این درس جز چند جزوه و مقالات پراکنده چیز دیگری در اختیار دانشجویان نبوده است این نیاز موجب شد که پیشنهاد ناشر را در ترجمه این کتاب بپذیریم و خواسته دانشجویان این رشته را برآورده کنم.

- از طرف دیگر تا به حال با دین به عنوان یک بحث اصولی و اعتقادی و کلامی برخورد شده و به عنوان یک پدیده اجتماعی مورد بررسی قرار نگرفته است. در جامعه شناسی دین با نگاه به دین به عنوان یک پدیده اجتماعی، کارکرد و تاثیر اجتماعی آن روی زندگی افراد جامعه و کل اجتماع مورد بررسی قرار می گیرد به عنوان مثال این مطلب مورد بحث قرار می گیرد که در دین در تقویت یا تضعیف همبستگی اجتماعی چقدر نقش بازی می کند و چقدر می تواند افراد جامعه را به هم وبسته کند و با چه نیازهای روانی را می تواند برآورده بکند. مثلا تنهایی ها، دلهره ها و اضطراب ها را بر طرف سازد.

- این کتاب بسیار انتقادی است یعنی کتابی است که مجموعه نظریات اجتماعی در رابطه با دین را به طور مفصل مورد بررسی قرار می دهد و در مرد هر یک از این نظریه ها هم حداکثر انتقادهایی که وجود دارد از ابعاد مختلف تشریح می کند کتاب به نسبت جامع است و تمام فصول مختلفی که در جامعه شناسی دین مطرح است در آن مطرح می شود.

• در پایان اگر با مخاطبین خودتان در این مجله سخنی دارید بفرمایید؟

- من برای تمام دست اندرکاران رشته علوم اجتماعی، توفیق و موفقیت آرزومندم و امیدوارم تعداد کسانی که در این رشته کار می کنند چه ترجمه و چه تالیف روز به روز زیادتر بشود و توصیه ای که می کنم در ابتدای این راه به مشکلات کارچندان توجه نکنند. بالطبع اگر یک رشته را به طور جدی را در پیش بگیرند و ادامه بدهند بالاخره در آینده دور یا نزدیک جای خود را پیدا می کنند و جامعه هم قدر کار آنها را می داند. ضمن این که به اصلاح و بهبود وضع نظری و فکری جامعه هم کمک می کند.